

به نام خدا

روی تپه‌ای که اولین بار

شهرم را دیدم

نوشته:

بهمن علی نژاد



سرشناسه : علی‌نژاد، بهمن ۱۳۶۲.
عنوان و نام‌پدیدآور : روی تپه‌ای که اولین بار شهرم را دیدم /
نوشته: بهمن علی‌نژاد؛ ویراستار: پروانه
ظاهری.
مشخصات نشر : تهران: کتاب نغمه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۳۷۷ ص ۵/۱۴×۵/س.م.
شابک : 978-600-5873-43-6
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا.
موضوع : داستانهای فارسی -- قرن ۱۴.
موضوع : Persian fiction--20th century
رده‌بندی کنگره : PIR ۸۳۵۲
رده‌بندی دیوئی : ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی : ۵۷۹۷۴۲۸



انتشارات کتاب نغمه

روی تپه‌ای که اولین بار شهرم را دیدم

نوشته: بهمن علی‌نژاد

ویراستار: پروانه ظاهری

چاپ اول: ۱۳۹۸

چاپ: اورجینال

تیراژ: ۲۰۰

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۷۳-۴۳-۶

این اثر در راستای استفاده از جلد و متن کتاب
ایم‌اچ‌آر (ایم‌اچ‌آر) چاپ شده است. لطفاً در صورت
تأیید و چاپ، لطفاً به حقوق مؤلفان
مستحقان به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان،
مستحقان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.

Shagheyegh_pub
Shagheyegh_pub
Shagheyegh_publication
www.Shagheyeghbooks.com

خیابان انقلاب - خ ۱۲ فروردین - کوچه بهشت آئین - پلاک ۱۶

تلفن ۰۳۲۹۹۶۶۴۰۶۶۴۹۸۲۸۶۶۴۰۱۷۷۲۶۶۴۰ فاکس ۰۶۶۴۹۶۶۹۲

مقدمه:

فتاب در افق مغرب محو شده، آسمان به تاریکی نشسته و بادی ملایم وزیدن گرفته است. خبری از همه‌مه و تکاپوی روزمره‌ی شهر نیست. روی تپه‌ی مشرف به شهر نشسته‌ام و به چشم‌انداز نابرمی‌نگرم؛ سوسوی چراغ‌های ریز و درشت، مخمل‌کبود پولک‌ده‌ن‌شده‌ای را در ذهنم تداعی می‌کند. هر یک از آن خانه‌ها، آدم‌هایی با سرگشت‌های متفاوت را در خود جای داده‌اند: داستان‌هایی شاد، غم‌انگیز، برماجرا، خطرناک یا... اما یک نقطه‌ی مشترک، تقریباً میان تمام آدم‌ها وجود دارد: همه آرزو دارند، رویاپردازی و خیالبافی می‌کنند و خود را قهرمان داستان‌شان می‌دانند.

کودکی، دنیای بی‌خیالی و سبکبالی، نوجوانی شوران‌هیجان و شور و شوق، و جوانی هنگامه‌ی امید و به‌حق‌پرستی آرزوهاست. اما همیشه همه چیز در جای درست خود قرار نمی‌گیرد. گاهی جای زمان‌ها با هم عوض می‌شود؛ کودک نیلی زود ناچار است بزرگ شود. جوان، در حسرت دنیای خیال و کودکی باقی بماند و بزرگ‌سال تا آخر عمر بار حسرت و افسوس را به دوش بکشد. این اتفاقات معمولاً زمانی رخ می‌دهند

که بزرگ‌ترها، بی‌توجه به دنیایی که آینده‌ی بچه‌ها را می‌سازد،
ضعف‌ها و کمبودهای شخصیت خود را در قالب داستان‌هایی
عجیب به خورد آن‌ها می‌دهند؛ داستان‌هایی که خودشان تنها
قهرمان آن هستند و شخصیت‌های دیگر ماجرأ، فقط عده‌ای
موجود ضعیف یا ضدقهرمان‌اند، که اگر روز پرده‌ها بیفتد و
شخصیت واقعی این قهرمان دروغین آشکار شود؛ ضربه‌ای
سخت به روح کودک وارد می‌شود که شاید به راحتی قابل
جبران نباشد.

و حالا بزرگ‌ترین قهرمان زندگی من، به زمین افتاده و نه تنها
خوابش، بلکه شخصیت مرا هم شکسته و تکه‌تکه کرده است. اما
منی که تا آخر عمر افسوس بخورم و حسرت بکشم، باید
راهی را داشته باشد، باید این تکه‌ها را دوباره به هم
بچسبانم و تراش‌های قهرمانم درسی بزرگ بگیرم؛ من، هرگز
به فرزندم دروغ نخواهم گفت!